

اخلاق جمشید کارگر و اخلاق کمونیستی

اخیراً نوشته ای توسط جمشید کارگر در جهت نقد مقاله ی مازیار رازی با عنوان (ریشه های نظریه ی لغو کار مزدی) نوشته شده که نویسنده (جمشید کارگر) با قصد اینکه نقدی بر این مقاله کند، نوشته ای پر از خصومت و فاقد هرگونه خصوصیات یک نویسنده ی صادق ارائه داده است. من در اینجا قصد نقد و بررسی نوشته ی ایشان را ندارم (آنرا به بعد موکول می کنم)؛ بلکه فقط می خواهم روش برخورد ایشان را مورد ارزیابی قرار دهم.

اولاً- در نوشته ی ایشان برخلاف تمام منقدان و نویسندگان متعهد گذشته، صرف نظر از اینکه آیا از تحلیلات مارکسیستی دیالکتیکی سود برده اند یا نه، حتی از سلامت قلم و تعهد یک نویسنده و اخلاق کمونیستی نیز چیزی دیده نمی گردد. ایشان با تمام قوا و با عصبانیت و نفرت فراوان، یکسره بدون نقدی دیالکتیکی، صرفاً روش اتهام زنی و تحریف را به کار گرفته و با نوعی بیماری به جای اینکه تحلیلی واقعی از نظرات مخالف نظر خود ارائه دهد به فحاشی و افترا پرداخته و نویسنده را یکسره «بورژوا» می خواند! چرا؟ فقط به این علت که نظریات آقای جمشید کارگر نقد شده است! چرا کسی نمی تواند بدون اینکه «بورژوا» باشد نظریات «لغو کار مزدی» را نقد کند؟ این چه شیوه قرون وسطی و ضد کارگری است که آقای جمشید کارگر از آن استفاده می کند؟ مگر کارل مارکس «بورژوا» بود وقتی در بین الملل اول به نظریات راست آنارشویستی باکونین نقد می کرد؟ درست برعکس روش برخورد آقای جمشید کارگر است که بورژوایی است و آنهم از نوع دیکتاتوری و اربابگرایانه آن- روشی که به جایی برخورد سالم سیاسی از اتهام زنی و افترا آغاز می کند.

دوماً - ایشان در نوشته اش، مازیار رازی را فاقد اعتبار در میان جنبش کارگری دانسته و ادعا می کند که نویسنده (مازیار رازی) را کسی نمی شناسد و مقالات و نوشته های او فاقد درکی علمی بوده و در میان جنبش کارگری جایی ندارد! (از صحت و سقم آن می گذریم. اما این ارزیابی را باید کارگران جوان ایران انجام دهند و نه کارگران بازنشسته بی هویت).

در اینجا باید از آقای جمشید کارگر سؤال کرد: که اگر (مازیار رازی) درکی از مارکسیزم ندارد و در میان جنبش کارگری هم کسی ایشان را نمی شناسد و تحریف می کند و دروغگو می باشد!؟ پس این همه تلاش جمشید کارگر در این نوشته ی پر از تحریف و اتهام چیست؟ نه اینکه کسی ایشان را نمی شناسد و اعتباری در میان کارگران ندارد، پس چگونه است که جمشید کارگر سعی در شناسائی و افشای شخصی را دارند که خود اعتباری در میان جنبش ندارد!؟

تمام نوشته ی آقای جمشید کارگر پر از تناقض و نشانه های افترا و اتهام نسبت به کسی است که نظراتی مخالف نظر ایشان ارائه می دهد. ایشان بجای تحلیلی مارکسیستی با تلاشی کودکانه و بیمارگونه، مذبوحانه می خواهد مازیار رازی را متهم نماید غافل از اینکه دو نسل کار انقلابی و تلاش بی وقفه و مستمر در میان جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران به این سادگی با روش تحریف و اتهام و بورژوا خواندن مخالفین خود از میان نمی رود.

برای اطلاع ایشان چند سطر از پیشگفتار مازیار رازی را بر کتاب «اخلاق آنها و اخلاق ما» اثر نون تروتسکی می آورم شاید برای ایشان و کسانی که به این بیماری مبتلا هستند، مورد استفاده قرار گیرد.

اکبر مرتضوی AKBAR_M@web.de

پیشگفتار مازیار رازی به

اخلاق آنها و اخلاق ما (لئون تروتسکی)

یکی از معیارهای سنجش برنامه و تشکیلات کمونیستی؛ داشتن اخلاق کمونیستی است. بورژوازی همواره کمونیست ها را به عنوان افراد رذل، دروغگو و سرکوبگر معرفی می کند. علت آن روشن است. ترس بورژوازی از حاکمیت کارگری متکی بر برنامه کمونیستی آنان را چنان نگران می کند، که ناچار شده برای مقابله با گسترش کمونیسم میان کارگران؛ آنرا به لجن بکشند.

اما، بورژوازی تنها عامل بازدارنده نفوذ کمونیسم به درون جامعه نیست. در واقع گرایش های انحرافی در درون جنبش کارگری و کمونیستی لطمه جبران ناپذیری بر پیکر جنبش کارگری وارد آورده اند. در اصل این گرایش های انحرافی با عدم رعایت اصول دمکراسی کارگری، به بی اعتبارکردن جنبش کارگری در پهنای بین المللی کمک رسانده اند. یکی از این انحرافات غیر دمکراتیک، در گرایش های سنتاً استالینیستی نهفته است. توسل به روش های ارعاب گرایانه، سانسور؛ اتهام زنی و غیره از عوارض بارز این گرایشات است.

این بیماری همانند سرطانی امروز بر پیکر جنبش کارگری ایران نیز سایه افکنده است. از یکسو عقب افتادگی ناشی از اختناق سرمایه داری؛ و از سوی دیگر نهادینه شدن سنت های استالینیستی در درون بخش عمده ای از کارگران و سازمان های سنتی، برخورد های دمکراتیک و معقول سیاسی را با روش های عقب افتاده و ارعاب گرایانه و سانسور اعتقادات مخالفان و قیم مآبی؛ جایگزین کرده است.

مبارزه کارگران پیشروی جوان در این عرصه نیز حائز اهمیت است. مبارزه برای احیاء اخلاق کمونیستی و رعایت حقوق دمکراتیک برای مخالفان سیاسی؛ و دفاع پیگیر از حق گرایش در درون تشکلات کارگری؛ در محور فعالیت های پیشروی کارگری قرار می گیرد. بدون رعایت این اصول؛ طبقه کارگر قادر به سازماندهی انقلاب و جذب اکثر زحمتکشان جامعه به طرف برنامه و تشکیلات خود نخواهد بود.

با انتشار مجدد جزوه «اخلاق آنها و اخلاق ما»؛ نوشته لئون تروتسکی؛ می توان به برخی از تجارب تاریخی انحرافات استالینیستی پی برد؛ و از درس های آن سود جست.

۱۶ شهریور ۱۳۸۳

نشر کارگری سوسیالیستی